

جستجوی حقیقت، یا جستجوی تشکیلاتی

رفقای راه توده

... کپی نامه ای را که در تاریخ ۲۹-۷-۹۷ برای نشریه "کار" نوشته بودیم، اینک برای شما ارسال می‌داریم. این نامه را به این دلیل با تاخیر برای شما ارسال داشتیم، زیرا امید داشتیم که حداقل این دومین نامه ما در "کار" منتشر شود، که متأسفانه چنین نشد. همانطور که ملاحظه می‌کنید، نامه ضمیمه در پاسخ به جوابی است که نشریه کار، به نامه نخست ما، منتشر ساخته است. البته در پاسخ به ما نیز، اصل نامه را منتشر ساخته، بلکه پاسخ به آن را منتشر ساخته‌اند، که این خود بدعتی دمکراتیک است! می‌دانیم، که با کپی نامه ضمیمه مسئولانه برخورد خواهید کرد.

جمعی از دوستان سازمان در برلین-آلمان

«در نشریه کار شماره ۱۶۲، به نامه ما که در آن به سیاست تحریم انتخابات از سوی شورای مرکزی (و بالطبع تحت نام سازمان فدائیان) اعتراض کرده بودیم، پاسخی در سه جمله داده شده است.

جمله اول: «نامه‌ای به امضای گروهی از هواداران سازمان در برلین دریافت شد...»

این اعتراض نامه از سوی "جمعی از دوستان سازمان" فرستاده شده است و نه از سوی گروهی از هواداران! ما این اشتباه را دال بر بی‌دقتی‌تان نمی‌دانیم، بلکه حساب شده و برای توجیه شیوه برخورد غیر مسئولانه به معترضین می‌بینیم، که در جملات دوم و سوم عیان‌تر می‌باشد.

جمله دوم: «رفقای ما در برلین نسبت به وجود چنین گروهی از هواداران اظهار بی‌اطلاعی کردند.»

ابتدا، انتظار داریم حداقل بدین امر آگاه باشید که بیان و تفسیر رابطه‌مان به سازمان عاقلانه نخواهد بود. در ضمن، این شیوه برخورد با معترضین کجا (کنوکا و شبه فتنی‌شی در تشکیلات) و ادعای وجود رابطه دمکراتیک و احترام به نظرات گوناگون در سازمان کجا؟

جمله سوم: «این نامه در نشریه‌ای بنام "راه توده" به چاپ رسیده است.»

انگاری، این بی‌اطلاعی شما فقط به بودن ما معترضین ختم نمی‌شود، بلکه در باره نشریه "راه توده" هم صدق می‌کند. چرا که از آن با حرف تعریف نامعین نام می‌برد!

فکر می‌کنیم، برای همه مشخص است که این هم یکی دیگر از تاکتیک‌های برخاسته از خط مشی حاکم در شورای مرکزی است، همان سیاستی که تحریم انتخابات را تبلیغ کرد و نتیجه‌اش، این شکفت زدگی شد. و حال جای بیان و بررسی صادقانه این واقعیت که "راه توده" تنها نشریه‌ایست که توانست تحلیلی درست از شرایط بدهد، (براستی چرا؟) سعی در سم پاشی و در اصل همان برخورد کهنه شده می‌کنید.

شناخت این واقعیت که تحریم انتخابات فقط یک اشتباه تاکتیکی نبوده، بلکه ریشه در دید پوپولیستی ناشی از ایدئولوژی‌زدائی و همگامی با سوسیال‌دمکرات‌ها دارد، برای شما هنوز سخت است.

ادامه آن سیاست غلط دیروز را می‌توان بعنوان مثال در مقاله "بهادر کریمی" (کار ۱۶۰) باز یافت.

وی ضمن بلند کردن چماق خودساخته "سیاست گذشته سازمان" بر روی سر کسانی که جرعت اعتراض کردن را به خود داده‌اند (برخورد با مقاله فرخ نگهدار) می‌نویسد: «... اما آنچه که من شخصا از انتخابات آموختم...» «... ما نه مجاز بودیم که مردم را به قرار گرفتن در پشت سر کاندیدائی دعوت کنیم که اعتقاد به ولایت فقیه را جزء اصول و مشی خود می‌داند و نه که بروز مخالفت مردم با حکومتگران را تنها به یک شکل محدود کنیم.» آیا این چکیده همان تاکتیک تحریم نیست که مردم ایران با عمل خود پوچ بودن آنرا به اثبات رساندند؟

وی می‌نویسد: «... تاکتیک درست ما ... باید با این تیر و محتوا تنظیم می‌گردید که: مردم! در انتخابات ضد دمکراتیک با ناطق نوری نماینده ولایت فقیه مخالفت کنید!»

عجب حکم داهیان‌های؟! در اصل یعنی هم از آخور و هم از کیسه خوردن! بعبارتی دیگر چه مردم شرکت می‌کردند و یا نمی‌کردند، در هر صورت آقای کریمی می‌توانست فردای انتخابات ادعا کند که شعار ما درست بود! این شعار به همان میزان که کلنی است، بی‌ارزش و بی‌محتوا هم می‌باشد. چنین برخوردی اپورتونیستی در طول تاریخچه فعالیت سازمان بی‌نظیر است!

شاید حالا بتوان وی را درک کنیم و بدانیم منظور او از نوشتن ... «آنچه که من شخصا از انتخابات آموختم...» چیست! هیچ؟! «جمعی از دوستان سازمان در برلین»

بقیه مصاحبه "اشپگل" با نخست وزیر آلبانی (از ص ۱۱)

نانو: من آرزو می‌کنم که در حدود سه ماه دیگر در این باره امکان اظهار نظر پیدا کنیم و آنگاه کوشش می‌کنیم تا پاسخ گونی بریسا را مشخص کنیم و دیگر سیاستمداران را در صورت لزوم به دادگاه بکشانیم.

- در مرحله مبارزه انتخاباتی شما قول‌هایی دادید، چگونه می‌خواهید این همه پول را فراهم آورید و به کسانی که در این رابطه زیان‌های مالی شدید دیده‌اند، بپردازید؟

نانو: من گفتم که جبران خواهد شد! توجه شما باید به آینده باشد و نه گذشته. بازار آزاد این شانس را در آینده بوجود خواهد آورد، که چند برابر گذشته سود ببرند.

- چگونه سرمایه‌گذاران خارجی در آلبانی عمل خواهند کرد، در حالی که فساد و بوروکراسی همه جا گیر است؟

نانو: باید بگویم روحیه مالی باید تغییر کند، اما نه تحت فشار یک رژیم استبدادی. ما باید مانع زشد فساد شویم و آنرا روز به روز محدودتر کنیم و شرایطی را فراهم آوریم تا هیچ هیچکس به فساد کشانده نشود.

- شما به عنوان یک سوسیالیست هیچ مشکلی نخواهید داشت وقتی که سرمایه‌داری را سر مشق اقتصاد خود قرار می‌دهید؟

نانو: اقتصاد ما شامل بخش خصوصی و مناطق آزاد تجاری نیز خواهد بود، مثل دیگر کشورهای غربی. شما هر نامی که می‌خواهید برای آن انتخاب کنید. سرمایه‌گذاران خارجی ضمانت می‌کنند تا تولیدات را به کشورهای دیگر نیز حمل و نقل کنند.

- استان کوزوو در داخل صربستان یوگسلاوی و "ماکسی دونا" کوشش دارند تا به آلبانی ملحق شود، شما از رهبر این جمعیت ابراهیم روگوا می‌خواهید تا عقیده خود را در رابطه با خود مختاری کوزوو تغییر دهد؟

نانو: در یک اروپای بدون مرز، خود مختاری چه معنایی دارد؟ البته اگر آن‌ها خود را جزو اروپا می‌دانند. خود مختاری یعنی عدالت اجتماعی و اتحاد برای حقوق بشر. من با "روگوا" صحبت می‌کنم و او را قانع خواهم کرد که او نیز برای ملت آلبانی یک راه حل اروپائی پیدا کند. از طرفی من شک دارم که رئیس جمهور صرب‌ها میلیوسویچ آماده انجام رفم‌هایی باشد.

- در انتخابات ۱۹۹۲ شما از بریسا شکست خوردید. آیا نگران تکرار این شکست نیستید؟

نانو: آن موقع غربی‌ها از بریسا حمایت کردند. آن‌ها امیدهای واهی به او بسته بودند تا توسط او ما را به عنوان "پست کمونیست" در تمام منطقه شرق اروپا زیر کنترل بگیرند. این نوع رژیم‌های راست در هر جا محکوم به شکست هستند. البته من هم از اشتباهات انورخوچه و بریسا تجربه‌های زیادی کسب کرده‌ام!